

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱۹ مهرماه سال ۱۳۹۷

عنوان: عزت‌الله انتظامی

سخنرانان و اعضای پنل: نیما خسروی و پیمان شوقی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

سخنران اول: نیما خسروی

عزت‌الله انتظامی زاده ۳۱ خرداد ۱۳۰۳ در سنگلج تهران بازیگر و کارگردان تئاتر، سینما و تلویزیون، مشهور به «آقای بازیگر» سینمای ایران بود. او نخستین بازیگر ایرانی است، که از یک جشنواره بین‌المللی جایزه گرفت. انتظامی در سال ۱۳۸۲ به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار ایران انتخاب شد. وی پس از گذراندن دوره تحصیلات مقدماتی، وارد هنرستان صنعتی تهران شد و در رشته برق به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۶ وارد عرصه هنر گردید و با اندک دست‌مایه‌های هنر نمایش و تئاتر به آلمان سفر کرد و در شهر هانوفر وارد یک مدرسه شبانه آموزش سینما و تئاتر گردید. عزت‌الله انتظامی فعالیت

هنری خود را با پیش‌برده خوانی در تماشخانه‌های لاله‌زار شروع کرد؛ او پس از یک سال به تماشخانه‌های هنر و فرهنگ تهران رفت؛ در سال ۱۳۲۰ نخستین نمایش حرفه‌ای خود را با عنوان اولتیماتوم نوشته پرویز خطیبی به کارگردانی اصغر تفکری در تئاتر پاریس خیابان لاله‌زار اجرا کرد و تا سال ۱۳۲۶ توانست در بیش از ده نمایش نقش‌پردازی کند. در سال ۱۳۵۱، پیش‌برده خوانی در ایران و نیز کار هنری هنریش فون کلايست موضوع پایان‌نامه کارشناسی او در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد که با امتیاز بسیار خوب همراه با تشویق کتبی به تأیید استادانش، رسید.

بازی در فیلم وارپته بهاری ۱۳۲۸ به کارگردانی پرویز خطیبی نخستین تجربه سینمایی انتظامی است. او بیست سال بعد، در ۱۳۴۸، در گاو ساخته داریوش مهرجویی بازی کرد؛ در نقش مش حسن، که در فراق گاوش می‌نالند و با او هم ذات‌پنداری می‌کند، و شرایطی را به وجود آورد که بازیش در فیلم گاو نقطه عطف و تحولی شگرف در تاریخ بازیگری سینمای ایران شد. بازی‌های او در دیگر آثار مهرجویی همچون آقای هالو، دایره مینا، پستچی، اجاره‌نشین‌ها، هامون و بانو از کارهای ماندگار است. انتظامی در فیلم‌های کارگردانان مطرح دیگری چون علی حاتمی، ناصر تقوایی، مسعود کیمیایی، رخشان بنی‌اعتماد، مسعود جعفری‌جوزانی و محسن مخملباف نیز بازی کرده است. او در فیلم مستند عشق‌پرداز به کارگردانی محمدهادی کاویانی در کنار محمود فرشچیان حضور داشته است. انتظامی پس از انقلاب و به خصوص در دهه شصت در انواع و اقسام نقش‌ها به بهترین نحو ممکن ظاهر شد. بازی او در فیلم‌های حاجی واشینگتن، اجاره‌نشین‌ها، گراند سینما، هامون، بانو، گاو، ستارخان، صادق کرده، خانه خلوت، ناصرالدین شاه اکتور سینما، روز فرشته، روسری آبی، مینای شهر خاموش، ستاره می‌شود. دیوانه از قفس پرید، خانه‌ای روی آب و راه آبی ابریشم اوج هنرنمایی او و فیلم‌های ماندگار او در کارنامه سینمائیش است. او در گاوخونی دومین همکاری‌اش با بهروز افخمی را تجربه کرد و جایی برای زندگی چهارمین تجربه‌اش با محمد بزرگ‌نیا بود. او برای اولین بار با مسعود کیمیایی در سن ۷۹ سالگی در فیلم حکم همکاری کرد. نقش رضا در فیلم حکم شبیه به دن کورلئونه است.



عزت‌الله انتظامی اولین بازیگر ایرانی بود که موفق به دریافت جایزه از فستیوال بین‌المللی شد. وی برای بازی در فیلم گاو جایزه هوگو نقره‌ای بهترین بازیگر نقش اول مرد را از جشنواره بین‌المللی فیلم شیکاگو دریافت کرد.

آیین بزرگداشت و تجلیل از عزت‌الله انتظامی بازیگر سینمای ایران در سال ۲۰۰۷ مصادف با مهر ماه ۱۳۸۵ در مقر سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد یونسکو در پاریس برگزار شد. در این نمایشگاه پوستر فیلم‌هایی که انتظامی در آنها نقش‌آفرینی کرده است به همراه آرشیو عکس‌های شخصی وی و لوح تقدیر فیلم گاو به نمایش درآمد. در این مراسم که با همکاری رئیس موزه سینما، سفارت فرانسه در تهران، نماینده ایران در یونسکو و بنیاد سینمایی فارابی و رایزن فرهنگی ایران در فرانسه برگزار شد، نویسندگان و سینماگران فرانسوی و ایرانیان مقیم فرانسه حضور یافتند. من عزتم، بچه سنگلج. کتاب شناخت نامه عزت‌الله انتظامی به عنوان «من عزتم، بچه سنگلج توسط نشر سخن در سال ۱۳۹۲ منتشر شد. در مقدمه این کتاب یادداشتی از ژان - کلود کریر، فیلم‌نامه‌نویس و بازیگر فرانسوی، با عنوان عزت‌الله انتظامی یک شمایل به چشم می‌خورد که آورده است هیچ دستوری برای ستاره شدن و ستاره ماندن وجود ندارد. باید دارای یک نگاه، یک حضور، جذابیتهای آنی و چهره‌ای آشنا، حتی پیش از نخستین دیدار، بود. باید دارای یک دم، یک حس و تمام ویژگی‌هایی که لغت روح را معنی می‌کند، بود و به منظور ارج نهادن به هنرمندان کشورمان و همچنین احیا و احداث موزه در نقاط مختلف شهر تهران، منزل مسکونی عزت‌الله انتظامی موزه عمومی شد. تیرماه سال ۱۳۹۱ خانه انتظامی به منظور بهره‌برداری فرهنگی به عنوان خانه موزه در تملک و تحویل معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه یک شد. مردم سرزمینم! من برای شما همیشه همان عزتم، همانی که از سیزده سالگی در تماشاخانه‌های لاله زار با تشویق‌های شما بزرگ شده‌ام همانی که همراه شما با دردهای ایران بسیار گریسته‌ام و با شادی‌هایش لبخندها زده‌ام برای شما من همیشه همان عزتم، بچه‌ای از سنگلج.

۲۶ مرداد در تالار وحدت بعد از فوت آقای انتظامی دیده شد تمام مردم فوت ایشان را در کانال‌های مجازی و ایستاگرام منعکس کردند و زیر عکس‌های جمالتی را می‌خواندیم که بسیار جالب بود. "عزت سینمای ایران در گذشت" یا "سینمای ایران بی‌عزت شد" و... . جملاتی که گاهی اوقات فکر می‌کنم قرینه کلامی است و به نظر اشخاص شعار جالبی آمده بود و کنار پست‌ها و عکس‌ها گذشته بودند. بعضی از کارگردان‌های سینما هم تأکید بر این مسئله داشتند که آیا سینمای ایران عزتی هم داشت. پس اگر سینمای ایران عزتی هم دارد، نه به شخص است که خیلی‌ها آمدند کار کردند و خیلی‌ها زحمت کشیدند ولی بی‌تردید آقای انتظامی عزیز در صنعت سینمای ایران و در صنعت تئاتر عزیز بوده و هست. در هنر سینما و در هنر تئاتر. اما این عزیز بودن از کجا می‌آید و چه فرقی است بین عزت‌الله انتظامی و بسیاری از هنرمندان چه در دوره‌های گذشته و چه کسانی که جدیدتر وارد این میدان شده‌اند.

بعد از این بحث را با بررسی اینکه چه ویژگی را می‌تواند یک هنرپیشه داشته باشد تا این چنین عزیز شود بررسی می‌کنیم. ما برای هنرپیشه‌ها دو عنوان فعالیت قائل هستیم یک بخشی از هنرپیشه‌ها نقش بازی می‌کنند و یک عده کاراکتر را با خودشان حمل می‌کنند و تفاوت در همین دو کلمه نقش و کاراکتر است.

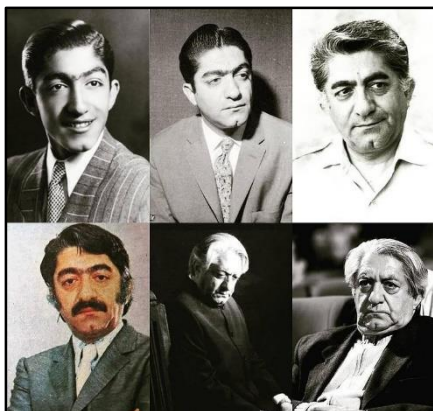
اگر من اسم هنرپیشه‌ای را می‌برم فقط می‌خواهم این دو ژانر را مقایسه کنم این افراد جزء بزرگان سینمای ایران هستند و برای ما بسیار عزیز. شما فرض کنید خسرو شکیبایی، شکیبایی جزء بازیگرانی بود که می‌شود گفت یک کاراکتر بود ایشان در زندگی شخصی خود یک کاراکتر داشت و همان کاراکتر را شما در فیلم‌هایش می‌دیدید. فردی با صدای گرم، با صدای سوخته، فردی که نگاه بسیار مهربانی دارد، مردی که بسیار پرتعلق به خانواده است شما در سریال خانه سبز نگاه می‌کنید به همسر، فرزند و حتی عروس و حتی آن چارچوب خانه به شدت تعلق دارد یا در فیلم هامون باز همان تعلق‌ها هست. ممکن است بفهمید این را کارگران انتخاب می‌کند و به او می‌دهد. درست است ولی کارگران‌هایی هستند که می‌گردند به دنبال ساده‌ترین راه‌حل دنبال آن کاراکتری که به او نقش بسیار نزدیک باشد و نیمی از راه را رفته باشند. در تیزهای شکیبایی هست می‌توانیم بفهمیم که چه نقش‌هایی بازی می‌کند. امثال شکیبایی که کاراکتر در تمام عمرشان بازی کردند ما بسیار داریم. از جمله داریوش ارجمند که ایشان هم نقش‌هایشان را بسیار خوب بازی می‌کنند و حتی اگر مالک‌الشر حضرت علی را هم بازی کند شما نگاه کاسب کارانه را درونش می‌بینید. در سریال‌های تلویزیونی هم همیشه یک حاجی بازاری که البته اصلاً دلیل بر ضعف افراد نیست، اینها کسانی هستند که کاراکتر بازی می‌کنند. هم دوره آقای انتظامی جمشید مشایخی کسی که اگر رضا توفتچی سریال هزار دستان می‌شود همان کاراکتر را درونش می‌بینید که در سال‌های بعدش در همان سریال به او دستور ترور می‌دهند، به عنوان یک تروییست هم باز همان کاراکتر مردی مهربان، خوش اخلاق، دلسوز. چنین حالتی باعث می‌شود اگر کسی بتواند نقش بازی کند می‌شود عزت‌الله انتظامی. کسی که هر نقشی به او می‌دهند اون نقش را مال خودش می‌کند. یک جایی قصابی است، سوپرگوشی دارد و صاحب‌خانه است و می‌خواهد اجاره‌هایش را جمع کند. آنقدر خوب بازی می‌کند که شما فکر می‌کنید نقش برای او ساخته شده. حتی نقش گاو در مشت حسن، چنین خودش را در نقش جا انداخته که نشان از قدرت هنرپیشه است. طبیعی است در چنین شرایطی رشد بیشتری می‌کند، جایگاه بهتری در هنر و صنعت پیدا می‌کند و باز طبیعی است مخالفانی هم داشته باشد. مخالفانی که او را نقد کنند و شاید بیشتر از نقد انگ‌های زده باشند.

عزت‌الله انتظامی شخصی بود که با ساز حاکمیت نمی‌رقصید چه در زمان شاه و چه در زمان بعد از انقلاب. بارها افراد متفاوتی به عنوان استفاده سیاسی و جمع‌آوری رای او را با خود نسبت داده‌اند اما او هر بار تمام این موارد را رد کرد و هرگز اینکار را انجام نداد.

به هر حال هرگاه صحبت از او که هنرپیشه‌ای توانایی بوده است، می‌شود با در نظر گرفتن تمامی جنبه چه در هنر و چه در اجتماع مدنظر قرار می‌گیرد وی هنرمندی بود که نقش‌ها را به صورت گزیده انتخاب می‌کرد و در فیلم‌هایی که بازی کرده است بسیار خوب و توانمند ایفای نقش کرده است و دیالوگ‌هایی را نیز در تاریخ سینمای ایران ماندگار کرده است.

سال پیش هنگامی که کارگردانی آمریکایی برای ساخت فیلمی به ایران آمده و با آقای انتظامی ملاقات کرد وی را به شون کانری ایران تشبیه کرد و برای من جالب بود که چرا شون کانری؟ شون کانری یک هنرپیشه بازاری به حساب می‌آید و اغلب در فیلم‌های پر فروش بازی کرده است مورد اول این بود که هر دوی این بازیگران از نظر سنی بهم نزدیک بودند و شون کانری هم مانند انتظامی کارهایی گزیده نقش آفرینی کرده است و هر پیشنهادی را نمی‌پذیرفت. این موارد نیز در کارنامه‌ی آقای انتظامی مشهود است و نمونه‌ای از این موارد و فیلم نامه‌ی مورد انتخاب ایشان را می‌شود در موزه‌اشان مشاهده کرد.

سخنران دوم: پیمان شوقی



یک سینمای ایران و یک عزت‌الله انتظامی که همه اذعان دارند که قله‌ایی است تکرار نشدنی. محوریت صحبت‌هایم را از جملات خود مرحوم انتظامی گرفته‌ام راز ماندگاری، راز ماندگاری ایشان چه چیزی می‌تواند باشد.

همانطور که می‌دانید انتظامی جزء چهره‌های است در سینمای ایران که نسل‌های مختلف با این چهره آشنا هستند و شاید متأسفانه نسل‌های بعد کمتر چنین آشنایتی داشته باشند. زیرا که هجوم جلوه‌های تصویری از سراسر جهان خیلی بیشتر از گذشته شده است. ولی تا حدوداً سال‌های ۸۰ افرادی که علاقمند بودند به آثار هنری سینما و تئاتر به هر حال با نام، چهره و ویژگی‌های کاری انتظامی کم و بیش آشنا هستند. مردی که همانطور که ذکر شد در نیمه عمر هنری در ۴۶ سالگی که در واقع می‌تواند برای

خیلی‌ها آغاز بازنشستگی باشد برای او ورود جدی به سینما ایران بود و درخشش‌هایش بعد از آن سنین بود.

انتظامی یک ورود اولیه و شاید بشه گفت غیرقابل ذکر به سینما داشته در دهه ۲۰ خورشیدی در سال ۱۳۲۷ در دو فیلم حضوری بسیار کوتاه داشته، فیلم طوفان زندگی که آغازگر سینمای ایران است بعد از یک دوره پسرقت اولین فیلمی که با گذشت ۱۷ سال در ایران ساخته شد و عمدتاً با حضور چهره‌های تئاتری و در سال بعد ۱۳۲۸ در فیلم وارپته بهاری که متأسفانه هیچ نسخه‌ای از هیچ کدام از این دو فیلم در اختیار نداریم و آن چیزی که ذکر می‌شود صرفاً خاطرات است از کسانی که دیدن و بیان می‌کنند.

اما علت حضور انتظامی در این فیلم‌ها چه بود، مکتب بازیگری در قرن معاصر در ایران یا دقیق‌تر در تهران عمدتاً مبنی بر دو گرایش و شاخصه بوده است. یعنی از زمانی که تجدد مدرنیته به مفهوم سیاسی، اجتماعی به نوعی در ایران شروع شد. با آغاز نمایشی مانند سایر جلوه‌ها مقداری حل داده شدن و امکاناتی در اختیارشان قرار گرفته که پیشرفت داشته باشند. یک گرایش که گرایش موجود بود، سنت نمایشی بوده که از نمایش‌های سنتی می‌آمده، از روحوضی و یا تعزیه. تعزیه به دلیل حالت‌های آیینی مذهبی کمتر و بیشتر سنت روحوضی بوده که استمرار پیدا کرده و بسیاری از گروه‌هایی که علاقمند به نمایش بودن به نوعی از سنت روحوضی آمدن یعنی آشنایی اولیه با پدیده‌ایی به اسم نمایش در طفولیت است. همین نمایش‌های آیینی فرح‌انگیز ایرانی بوده که عمدتاً در جشن‌ها هم به صورت عام ارائه می‌شده است. گروه کوچکی بودند در دوران تجدد دهه ۱۰ و ۲۰ هجری شمسی که فرصت، گذراندن دوره‌هایی در کشورهای اروپایی را داشتند در حیطه‌های نمایشی. مثلاً مرحوم علی اصغر گرمسیری شاید یکی از معدود کسانی بود که دوره‌هایی را در همان زمان گذرانده و اینها وقتی به ایران آمدند بالاخره در اولین دوره‌ها هنرستان هنرپیشگی در تهران راه، راه انداختن که زمینه‌ایی فراهم شود که نمایش را با متد علمی غرب هم، اشاعه و آموزش دهند.

عزت‌الله انتظامی قطعاً جزء گروه اول است کسانی که پس زمینه ایشان نمایش‌های سنتی بوده و آموزش بازیگری در شروع کارش به آن صورت ندیده بود ولی تجربه زندگی‌اشان نشان می‌دهد که انسانی بوده که همراه در تکاپو و جست‌وجوی آموزش بودند. در یکی از کلیپ‌های که در بخشی از فیلمی که در منزلشان صحبت کردند، آمده که در ابتدای جوانی کسی ایشان را با کتاب آشنا و به مطالعه تشویق کرده و اولین کتابی که در یافتنشان سال ۱۳۲۰ بوده است، که هنوز هم در کتابخانه‌اش نگه داشته و برایشان بسیار ارزشمند است. انسانی بوده که بسیار پیگیر مطالعه و پس زمینه خانواده‌اش نشان می‌دهد از زمینه روشنفکری برخوردار نبوده، آن ظرفیت درونی و عشق شخصی به نمایش و بازیگری که در وجودش شعله می‌کشید مثل خیلی‌ها سالیان سال حضورش در تماشاخانه‌ها و ورودش به نمایش پنهان از چشم خانواده و پدر بوده است. اتفاقی است در زندگی ایشان و هنرمندان ایرانی که قطعاً بنا به دلایلی سیاسی هیچ اشاره‌ای بهش نشده است. که فکر می‌کنم اگر ما در مطالعات شخصی به این نکته توجه کنیم بد نیست.

بعد از سقوط حکومت پهلوی اول و آزادی‌های سیاسی که پیرو تغییر حکومت و پادشاه پیش آمد و سال‌های جنگ جهانی حضور نظامیان اتحاد شوروی در ایران، حزب توده فعالیت‌های خودش را شروع کرده به لحاظ سیاسی و خیلی سریع تبدیل شده به جبهه اصلی روشفکری‌های ایرانی. بسیاری از افراد فارغ از هر نوع گرایش سیاسی حتی خیلی‌ها با گرایش ملی شاید یا خیلی صاحب دیدگاه‌های مذهبی به این حزب پیوستن و صرفاً به دلیل متری بودش و به دلیل تریبون و امکاناتی که در اختیار اعضایش قرار می‌دهد. یکی از چهره‌های نمایش ایران که شاخص و ستاره فروزان نمایش ایران است به اسم عبدالحسین نوشین که ایشان هم نه تنها جزء اعضای عضو توده بلکه به واسطه سواد که داشته عضو هیئت رئیسه حزب توده در ایران بودن و اتفاقاً به دلیل اینکه ایشان یکی از تحصیل کرده‌های این رشته بودند شاید بیشترین تأثیر را در رواج تئاتر به شکل غربی در ایران داشتند. تا قبل از ظهور عبدالحسین نوشین و کارهای نمایشی ایشان اگر ما یک نمایش غربی را در ایران می‌دیدیم که دارد اجرا می‌شود با فضای ایرانی و مثل یک متن ایرانی ارائه می‌شد. ولی نوشین آمد و نمایش‌های روز کلاسیک را ترجمه کرد و خودش را در تأثیر ایران مطرح کرد و پایه گذاشت و نکته جالب این است که گرایش ایشان روشن‌فکرانه و مفهوم نخبه‌گرانه نبود بلکه عام را در نظر داشت. به خاطر همین یک گروهی از بازیگرانی که فعال بودند در نمایش عام پسند از جمله انتظامی هم جزو گروهش شدند، همانطور که در بعضی آثار جدید مثل مجموعه ویدئوای شهرزاد، به هر حال در دهه ۲۰ و ۳۰ وضعیت تأثر به نوعی از لحاظ فرهنگی محدودیت داشته و در شهرهای بزرگ مثل تهران، خیلی از نمایش‌نامه‌هایی که روی صحنه می‌رفت پدیده می‌شد و مورد استقبال مردم بود و پیگیری می‌کردند تبعاً کسانی که آنجا حضور داشتند چهره می‌شدند.

فار دوم خیلی از بازیگران بودند که وارد این قضیه شدند ولی آنها چهره و ستاره نشدن ولی یکی از آنها که ستاره شد عزت الله انتظامی بود چرا؟ به خاطر بازیگری و یا هنرش؟ نه! به خاطر پرده خوانی. اینجاست که کمی آن گرایش سیاسی به نظر من خود را بهتر نشان می‌دهد. پیش پرده‌ها ترانه‌های فوکایی بود که معمولاً می‌آمدند در ابتدای اجرای نمایش‌ها، حالا محتوای نمایش هر چیزی بود اجرا می‌کردند و ارکستر مختصری می‌آمد بازیگر و خواننده‌ها می‌آمدند و آن ترانه‌ها فوکایی را که عمدتاً فضای انتقادی داشت اجرا می‌کردند.

نمونه‌هایی از اینها بعدها بازخوانی شد و به عنوان مثال مرحوم مرتضی احمدی که یکی از ستاره‌های پیش پرده خوانی بود که بعضی از آنها را که ۸۰ سال پیش یا خودش و یا دیگران خوانده بودند را بازخوانی کرده است. می‌گویند این پیش خوانی‌ها آنقدر معروف شده که از شب اول که قرار بوده پخش شود متن در روی کاغذ قرار می‌گرفته و همه آنها را می‌خریدند و می‌خواندند مثل تصنیف. پای تعدادی از این افراد به رادیو باز شد اولین تجربه ستاره شدن را شاید آنجا و به این شکل داشته‌اند. تئاترها هم مزامین نسبتاً انتقادی داشته. تئاتر به معنی نخبه‌گری که در دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ پیدا کرد در ایران نداشته و اینها هنرمندان مردمی بودند و زمینه‌های سرگرمی و نمایش زیاد نبود و اینها همه کمک می‌کند این افراد چهره شوند.

شاید بشود گفت بعضی از ویژگی‌های انتظامی به عنوان یک هنرمند خیلی موثر بود ایشان از مکتب تئاتر تهران می‌آمدند. لجه تهرانی و اینکه مکتب تئاتر تهران مبتنی بر آواز خواندن بود و آهنگین بوده، اینها چیزهایی بودند که به ستاره شدن به عنوان یک پیش پرداخت کمک کرده در ادامه می‌رسیم به مقطع تحول سیاسی ۲۸ مرداد و اتفاقاتی که بعدش برای اعضای حذف توده و تمامی سطوح پیش می‌یاد. همگی دچار گرفتاری‌هایی می‌شوند. عبدالحسین نوشین یک مدت فراری می‌شود و مخفی زندگی می‌کند و بعد هم از ایران فرار می‌کند. جالب است که انتظامی در اواخر عمرش این را فاش کرد که چند ماه عبدالحسین نوشین در منزل ایشان پنهان بوده و بخشی در زمانی بود که خود انتظامی را گرفته بودند که حدود ۴ ماه در زندان بودند و از جمله با احمد شاملو در همان زمان عنوان کردند که هم بند بودند و وقتی که آزاد می‌شوند این آزادی مصادف می‌شود با یکی از آن اتفاق‌های مهم و دوران تحول، انتظامی بعد از آزادی زندان شهربانی تهران به فاصله خیلی کوتاهی از ایران می‌رود به آلمان شرقی برای تحصیل رشته بازیگری و آموزش. به نظر من دو وجه دارد خودش در مصاحبه‌ها و زندگی‌نامه‌اش می‌گوید چون می‌خواستیم یاد بگیریم تئاتر و بازیگری را هرچه داشتیم در ایران آموختیم و اینها اندوخته‌های شخصی‌مان بوده و آنها را خرج کردیم حالا بعد از این من چه چیزی در چنته دارم. من شخصاً فکر می‌کنم بخشی از این صحیح است ولی می‌شود گفت بخشی هم دور از ذهن نیست. با آن وضعیتی که آن زمان داشته و همه کسانی که دیدگاه چپ داشتن و توده‌ای‌ها در آن زمان از ایران می‌رفتند و یا مهاجرت می‌کردند به شوروی و یا به اروپای شرقی در همان زمان در اروپای شرقی و برلین و یک تجمعی از هنرمندان ایرانی به وجود آمده بود. جالب است مثلاً آقای اسکویی و همسرش از چهره‌های برجسته به این فکر افتادن که بروند و یک سری فیلم‌های آلمانی را به فارسی ترجمه کنند.

انتظامی همانطور که اشاره کردن زندگی بسیار سختی داشتند و برای ادامه زندگی مجبور بودن در یک کارخانه کار کند و در یک کالج شبانه مثل سربازان جنگ جهانی دوم فنون بازیگری را می‌آخواند و اولین بار بازیگری جلوی دروبین را آنجا تجربه کرد و تا قبل از اون برایش مطرح نبود.

بازگشت ایشان به ایران می‌شود اواسط دهه ۳۰ زمانی که کمی آرامش سیاسی در تهران ثبات ایجاد کرده و مجدداً اتفاق‌هایی می‌افتد. در آن مقطع از لحاظ تاریخ نمایش ایران بازماندگان گروه نوشین سعی کردند آن کار را ادامه دهند و چند تا تماشاخانه گرفتن و گروه‌ها را جمع کردند و مجدداً برنامه‌هایی اجرا شد، ولی به موازات آنها اتفاق جدیدی افتاد و گرایش برای رویکرد به نمایش‌نامه‌های ایرانی به نوعی تئاتر ملی که اولین بار در آن زمان مطرح می‌شد. خیلی از کسانی که جزء بزرگان نمایش ایران هستند در حیطه بازیگری و تمام هم دوره‌های انتظامی در آن مقطع

به آن جمع‌بندی می‌رسند، که تعدادی دور هم جمع شوند و گفتن قصه‌های ایرانی را جمع کنیم و به صورت نمایش در آوریم و اولین جرقه‌های نمایش نویسی ایرانی آن جا گذاشته می‌شود. ادامه‌اش آقای نصریان بلبل سرگشته را می‌نویسد و کارهای دیگر را می‌نویسند و کم کم به یک جریان عمده تبدیل می‌شود.

یک اتفاق می‌افتد و هر کدام از اینها هر جای امکاناتی داشتند سعی می‌کردند بگیرند و یک اجراهای کوچکی را ببرند سر صحنه. مجموعه این اتفاق‌ها باعث می‌شود که چند گروه تشکیل دهند مثل گروه هنر ملی، گروه مردم و این هنرمندان بیابند این جاها جمع شوند و شروع کنند به ارائه نمایش ایرانی و باز یکی از کسانی که به بهترین شکل از این جریان استفاده کرد که بسیار درخشید عزت الله انتظامی بود. بسیار تاکید می‌کنم عزت الله انتظامی فرزند مکتب نمایش سنتی بود و در این نمایش‌های ایرانی بسیار بهتر از نمایش‌های غربی و اروپایی فرصت استفاده از امکاناتی را پیدا می‌کند که سنت‌های خودش در اختیارش گذشته شده است. چهره، تن صدا، لحجه، زبان و بدن و البته اندوخته‌هایی که از آن طرف داشته می‌آورد. انتظامی از اولین کسانی بود که در این گروه‌ها شاید به خاطر آموزش‌هایی که در آلمان دیده علاوه بر بازیگری، کارگرانی هم می‌کند. حیف و صد حیف که هیچ نمونه‌ای ما از آن دوره نداریم و هیچ کدام از این نمایش‌ها ضبط نشدن چون امکانات نبوده و شاید فقط تعدادی عکس در آلبوم‌های شخصی این عزیزان به یادگار مانده باشد.

حاصل فعالیت انتظامی در این دوره چیزی حدود ۲۰۰ نمایش است به عنوان بازیگر، کارگردان و یا به عنوان بازیگر و کارگردان هم زمان است. اوایل دهه ۴۰ تالار سنگلج که آن موقع اسمش ۲۵ شهریور بود به قلب و مرکز تپنده نمایش‌های ایرانی معروف بود. نکته دیگر اینکه این نمایش‌ها مخصوص تهران نبود و حتی در شهرستان‌های دیگر هم گروه نمایشی می‌رفتند و نمایش را اجرا می‌کردند. اواسط دهه ۴۰ که تلویزیون خصوصی ایران راه می‌افتد شروع می‌کنند هفته‌ای یک شب نمایش ایرانی پخش کردند که به صورت زنده و همین نمایش‌ها نقش بسیار عمده‌ای داشته در آشنا شدن عامه مردم با نمایش‌های درست و صحیح.

در واقع می‌شود ادعا کرد که کارنامه سینمای استاد عزت الله انتظامی با همین جریان شروع می‌شود و نمایش گاو روی صحنه می‌رود و با استقبال خودش روبرو می‌شود. بعد به صورت یک نمایش تلویزیونی پخش می‌شود. انتظامی یک نقطه اوج دیگری هم دارد زمانی که در اوج یکی از ستارگان تئاتر ملی ایران مطرح بود یک کار بسیار عجیبی می‌کند و در دانشکده هنرهای زیبا ثبت نام می‌کند و به عنوان دانشجوی تئاتر در سن ۴۴ سالگی روی نیمکت و کنار جوان‌تر می‌نشیند و آموزش می‌بیند وقتی هم از او می‌پرسند می‌گوید همه اندوخته‌های من برای سال‌های دور است حال باید بیاموزم تا به روز باشم. یکی دیگر از خصوصیات ایشان هم این است که یکی از بزرگان سینما تعریف می‌کرد که ایشان همیشه یک ساعت زودتر از همه سر کار بودند و هر چه سعی می‌کردم که زودتر از ایشان برسم متاسفانه نمی‌شد، همچنین همیشه در پشت صحنه نمایش استرس بسیاری داشتند و برای همه عجیب بود ولی وقتی وارد صحنه می‌شدند با اولین دیالوگ صحنه را برای خودش می‌کرد. ازش پرسیدم چرا؟ گفت من الان حدود ۲۰ سال است کار می‌کنم ولی همیشه این اضطراب را دارم و همیشه می‌گویم خدایا خودم را به تو می‌سپارم. ولی وارد صحنه که می‌شوم همه چیز درست می‌شود. هیچ لحظه‌ای فارغ نمی‌شود از نقشش.

مجموعه دوران کاری ایشان به عنوان بازیگر در طول سال‌های اخیر به بهترین نحوه از این اندوخته بهره گرفته و در سینما وارد شده و اولین حضورش یک شناس تاریخی بوده و شاه‌نقشی در فیلم گاو وارد شده و جالب است کارنامه ایشان را نگاه کنید تا مدت‌ها در فیلم‌های بعدی هیچ وقت نقش اصلی نبوده ولی حضور ایشان در این فیلم‌ها وزنه است.

راز ماندگاری عزت الله انتظامی به عنوان یک بازیگر و به عنوان یک چهره‌ای که جهت داده و قله‌ای شده در سینمای ایران در این دوران نمایش در تلاش و سخت‌گوشی در انضباط و تلاش مداوم و همیشگی برای آموختن، وسواسی که در کارش داشته است.

